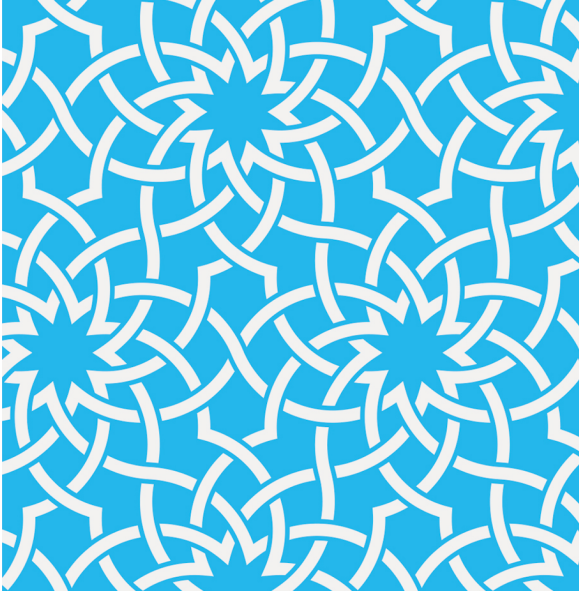




سخن دوم: انقلاب مردمی، مردم انقلابی

شباهت های انقلاب حضرت موسی علیه السلام و انقلاب سید روح الله رحمه الله

یکی از داستان های پرتکرار در قرآن کریم، داستان موسی علیه السلام و بنی اسرائیل است. در قرآن بیشتر از همه انبیا ذکر حضرت موسی شده است. شاید ما خیلی زودتر باید فیلم حضرت موسی علیه السلام را می ساختیم، حتی زودتر از فیلم حضرت یوسف علیه السلام، چون پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

« شباهت های فراوانی، بین امت حضرت موسی و قوم بنی اسرائیل با امت من وجود دارد. »^۱

البته من نمی خواهم خیلی این شباهت ها را شرح و بسط بدهم، بیشتر می خواهم روی یک تفاوت اساسی که وجود دارد؛ تمرکز کنم و آن را شرح و بسط بدهم.

۱. ظلم فرعون ها

یکی از شباهت ها بین قوم موسی علیه السلام و ما، این بود که آنها تحت ظلم فرعون بودند و مردم ما هم تحت ظلم فرعون زمان خودشان بودند. بعضی های طوری از دوران طاغوت، صحبت می کنند انگاری آن موقع گل

۱. «لَتَرْكَبُنَّ امْتِي سُنَّةَ بَنِي إِسْرَائِيلَ حَذُوَ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ [وَحَذُوَ] الْقَدَّةَ بِالْقَدَّةِ شِبْرًا بِشِبْرٍ وَ ذِرَاعًا بِذِرَاعٍ» (سليم، ج ۲، ص ۵۹۹)

و بلبل بوده است. پس مردم مریض بودند، جان دادند، جوان دادند؟ زجر کشیدند.

چقدر ما در جنگ روایت ها، ضعیف هستیم، هنوز صورت ما از سیلی نظام طاغوتی سرخ است. نتوانستیم بعد از چهل سال، آوار برداری کنیم از ساختارهای طاغوتی، بعد بعضی ها با چه جرات و جسارتی از نظام طاغوتی دفاع می کنند.

شاه بزدل، شاه ذلیل را عزیز کنند، آدم خجالت می کشد بگوید این مرد، شاه مملکت است. از فرعون، می خواهند فرشته درست کنند. ما چه وضعیتی داشتیم؟ به حافظه ی تاریخی خودمان، برگردیم و ببینیم ما در چه وضعیتی بودیم.

درست است الان مشکلات فراوانی داریم، اما اگر آن وضعیت گذشته ادامه پیدا می کرد، مشکلات ما صد برابر سخت تر از مشکلات حالای ما می شد. بله شاید جنس مشکلات ما، فرق می کرد، اینقدر نظام سلطه، برای ما مشکلات درست نمی کرد، اما چوبی که از همان نظام طاغوتی می خوردیم، صد برابر بدتر از تحریم نظام سلطه بود. شاید الان چیزی به نام ایران پهناور باقی نمانده بود.

ما در چه وضعیتی بودیم؟

ما در چه وضعیتی بودیم؟ خیلی مهم است این را به یاد بیاوریم، برای بچه های خودمان بگوییم، فکر نکنند، ما یک گلستانی را رها کردیم. فرمود:

«إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذَّيْحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَخِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ؛ فرعون

در زمین برتری جویی کرد، و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود گروهی را به ضعف و ناتوانی می‌کشاند، پسرانشان را سر می‌برید و زنانشان را (برای کنیزی و خدمت) زنده نگه می‌داشت او به یقین از مفسدان بود! ^۱»

مگر شاه ملعون اینکارها را نمی‌کرد، ضعیف‌کشی نمی‌کرد، مردم را به ضعف نمی‌کشاند. بچه‌های این ملت را نمی‌کشت؟ حرمت بانوان را نمی‌شکست؟ اگر شاه فرعون نبود چی بود؟ بعضی‌ها می‌خواهند از شاه فرعون، شاه فرشته درست کنند؟

۲. رهبری شجاع

پس یکی از شباهت‌ها، همین وجود نظام طاغوتی بود. یکی دیگر از شباهت‌ها، وجود شخصیت نازنینی بود مثل حضرت امام رحمته‌الله علیه بود. حضرت امام رحمته‌الله علیه، مثل حضرت موسی علیه السلام، با شجاعت تمام مقابل طاغوت، ایستاد و ایستادگی کرد.

امام رحمته‌الله علیه، فرمودند:

«والله، تا حالا نترسیده‌ام [ابراز احساسات حضار]. آن روز هم که می‌بردندم، آنها می‌ترسیدند؛ من آنها را تسلیت می‌دادم که نترسید.» ^۲

جانم به شجاعت امام!

اگر شما نترسیدی، اگر مسئول شما نترسید، دشمن جرائت تحریم و تهدید ندارد. این قاعده است. قرآن می‌فرماید تمام امکانات و ابزار قدرت را برای خودتان فراهم کنید حالا چرا باید ابزار قدرت را فراهم کنید؟

^۱. قصص، ۴.

^۲. ۸ صبح ۲۶ فروردین ۱۳۴۳.

«تَرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
يَعْلَمُهُمْ؛ تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و
(همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را، که شما نمی‌شناسید و خدا
آنها را می‌شناسد!»^۱

تو باید دل دشمن را خالی کنی، هم دشمنان داخلی، هم دشمنان خارجی.
وقتی رئیس دولت سیزدهم با شجاعت، دشمن را تهدید می‌کند. دشمن
دست از تحریم و تهدید برمی‌دارد. این اثر تهدید دشمن است. امام این
طوری بود. شجاعت امام، به مردم شجاعت می‌داد.
امام رحمه الله علیه می‌فرمود:

«من کراراً گفتم و باز هم تکرار می‌کنم این تحولی [است] که از خوف
و ترس به شجاعت متحول شدند. شما ملاحظه کردید، دیگر اینها
همه یادتان هست، که يك پاسبان اگر می‌آمد در بازارها؛ بازار تهران،
بازار تبریز و می‌گفت که «۴ آبان» است و باید بیرق بزنی سر دکانها،
توی ذهن مردم اصلاً نمی‌آمد که می‌شود هم با پاسبان معارضه کرد
و گفت نه. همه اطاعت می‌کردند روی اینکه خوب، دنبالش خوف
اینکه حبس باشد، زجر باشد، شکنجه باشد. در ظرف کمتر از دو
سال آخر این انقلاب، در ظرف کمتر از دو سال، همین جمعیت‌ها يك
تحولی درشان پیدا شد که ایستادند در مقابل توپ و تانک و مسلسل
و گفتند ما اصلاً رژیم [شاه را] نمی‌خواهیم. آنکه به خودش جرأت
نمی‌داد که بگوید من امشب این کار را نمی‌کنم و بیرق نمی‌زنم، این

جرات را پیدا کرد که مشتش را گره کند و جلو برود. بریزند توی

خیابان‌ها و فریاد بزنند که مرگ بر این سلطنت کذا.»^۱

شجاعت امام رحمته الله علیه به مردم شجاعت می داد.

شهید شاهرخ، معروف است به حر انقلاب اسلامی، برای خودش برو بیای داشت. اما وقتی خدا دست دلش را گرفت، از این رو به آن رو شد. بهمن ۵۷ بود. شب و روز می گفت: فقط امام، فقط خمینی رحمته الله علیه وقتی در تلویزیون صحبت‌های حضرت امام پخش می شد، با احترام می نشست. اشک می ریخت و با دل و جان گوش می کرد. می گفت:

عظمت را اگر خدا بدهد، می شود خمینی، با یک عبا و عمامه آمد. اما عظمت پوشالی شاه را از بین بُرد. همیشه می گفت: هرچه امام بگوید همان است. حرف امام برای او فصل الخطاب بود. برای همین روی سینه اش خالکوبی کرده بود که: فدایت شوم خمینی.^۲

شجاعت امام از او دلبری کرده بود.

یکی از شجاعت‌های فوق العاده امام رحمته الله علیه نترسیدن از سرزنش‌ها بود. وقتی خودی‌ها دل تو را خالی می کنند، به هدف تو، به راه تو شک کنند، حتی تو را سرزنش کنند، تو محکم بایستی و بگویی این راه درست است، این شجاعت می خواهد. البته این شجاعت ریشه در عقلانیت و منطق دارد. شجاعت از سر لجبازی نیست. شجاعت ریشه در عقلانیت دارد. ریشه در واقع بینی دارد. امام چون واقعیت‌ها را می دید، مقابل شاه می ایستد و از سرزنش سرزنش‌کنندگان نمی ترسید.

۱. ۱۳ تیر ۱۳۵۸.

۲. مشرق، شهیدی که روی بازو نوشته بود فدایت شوم خمینی، کد خبر: ۵۰۸۳۳۵

گاهی برخی از علماء، از سر دلسوزی به امام می گفتند از این راه را برگردید، امام می فرمود نه این راه، راه درستی است. دیگر به احترام علماء ما چیزی نمی گوییم البته کم هم نبودند، علمایی که با امام همراهی کردند اما مسیر مسیر ناهمواری بود. شجاعت امام، این مسیر را هموار کرد.

تفاوت قوم بنی اسرائیل و امت سید روح الله ﷺ، راز موفقیت، رمز ظهور

اینها شباهت های حرکت حضرت موسی ﷺ و حضرت امام ﷺ هست اما تفاوت اساسی که بین ما و بنی اسرائیل وجود دارد، آن چیست؟ این تفاوت، راز موفقیت انقلاب اسلامی است. رمز ظهور است.

بعضی ها فکر می کنند انقلاب اسلامی، یک اتفاق بود، یک معجزه بود که منطقی پشت سرش نداشت. نه این طوری نیست. اگرچه انقلاب اسلامی معجزه بود، اما این معجزه منطبق داشت، منطقی همان تفاوت بین امت حضرت موسی ﷺ، با امت امام خمینی ﷺ است. پس از رنج های فراوانی که قوم حضرت موسی ﷺ کشیدند و از دست فرعون نجات پیدا کردند، بعد از رهایی از وضع موجود بد، وقتی خواستند یک وضع خوب را برای خودشان درست کنند، باید آستین بالا می زدند و یک وضع خراب دیگری را خودشان تغییر می دادند.

حضرت موسی ﷺ، فرمود بسم الله آستین بالا بزنید و با این دشمنان بجنگید و موانع را بردارید و وارد سرزمین مقدس شوید. گفتند یا موسی تا شما اینها را بیرون نکنی، ما وارد سرزمین مقدس نمی شویم. یک نفر از یاران خوب حضرت موسی ﷺ گفت آی ملت! کاری ندارد، کافی است شما اقدام کنید، پیروزی با شماست.^۱ گفتند:

۱. «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَآتَكُمْ غَالِبُونَ» (مائده، ۲۳)

«یا مُوسى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ؛ ای موسی! تا مدامی که اینها هستند ما داخل این سرزمین نمی شویم؛ تو خدای تو بروید آن دشمنان را نابود کنید، ما اینجا نشستیم»^۱

این بندگان خدا! توقع چندان بی جایی هم نداشتند، تا حالا تمام مشکلاتشان را حضرت موسی (علیه السلام) و معجزات الهی حل کرده است، فکر کردند ادامه کار را هم باید حضرت موسی (علیه السلام)، کار را با معجزه پیش برد. ولی خدا فرمود، نه دیگه! از اینجا به بعد، کار خود شماست. من کمک می کنم ولی به شرط اینکه شما اقدام کنید.

امت موسی (علیه السلام)، اینجا کم آوردند، اینجا کوتاه آمدند، اینجا نشستند، خدا هم بلایی سرشان آورد، مبتلا شدند به اینکه چهل سال دور خودشان می گشتند، خدا نسل اینها را نابود کرد، تا یک نسل دیگری بیاید، بعد از این وضعیت نجاتشان داد. خیلی عجیب است، این عقوبت، برای مردمی که نشستند.

تفاوت اساسی در قیام و قعود مردم است

تفاوت اساسی امت موسی (علیه السلام) و امت روح الله (ص) اینجا بود. در یک قیام مردم و یک قعود و نشستن مردم؛ وقتی امام در اولین بیانیه خودشان، این آیه را که تک موعظه خدا به بندگانست هست، خواند که خدا فرمود:

«قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَنِئى وَفُرَادى؛ بگو: «شما را تنها به يك چیز اندرز می دهم، و آن اینکه: دو نفر دو نفر یا يك نفر يك نفر برای خدا قیام کنید»^۲

۱. مائده، ۲۴.

۲. سبأ، ۴۶.

امام انقلاب خودش را با دعوت به قیام مردم، شروع کرد. مردم ما، نشستند، نگفتند امام خودت با خدای خودت برو بجنگ! نه خودشان آستین بالا زدند، انقلاب کردند. انقلاب ما مردمی بود و مردم ما هم انقلابی بودند و البته هنوز هم پای کار انقلاب خودشان هستند.

امام حجی القلیه فرمودند:

«ما اگر فایده‌ای از این جمهوری اسلامی نداشتیم الا همین حضور ملت به همه قشرهایش در صحنه و نظارت همه قشرها در امور همه، این يك معجزه‌ای است که جای دیگر من گمان ندارم تحقق پیدا کرده باشد. و این يك هدیه الهی است که بدون اینکه دست‌های بشر در آن دخالت داشته باشند خدای تبارك و تعالی به ما اعطا فرموده است.»^۱

معجزه با حضور مردم اتفاق می‌افتد، معجزه حضور مردم است.

مقام معظم رهبری علیه السلام در اول بیانیه گام دوم فرمودند:

«از میان همه‌ی ملّت‌های زیر ستم، کمتر ملّتی به انقلاب همّت می‌گمارد؛ و در میان ملّت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند، کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملّت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است»

قیام مردم، رمز موفقیت انقلاب بودند و هستند.

^۱. صبح ۲۸ اسفند ۱۳۵۹.

بحران جنگ، با قدرت مردم حل شد

این تفاوت را با صدای بلند باید فریاد زد، چرا انقلاب موفق شد؟ چون مردم قیام کردند. مردم قیام کنند، همه ابرقدرت ها را شکست خواهند داد. مردم قیام کنند، همه مشکلات را حل خواهند کرد. این مدلی است که ما چهل سال در انقلاب اسلامی آن را تجربه کرده ایم. ما بزرگترین بحران های این کشور را با مردم حل کردیم، جنگ تحمیلی، بزرگترین بحران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود، این جنگی که همه دنیا علیه ما بود را چطور پیروز شدیم؟ با حضور مردم. این تجربه عینی ماست از قدرت مردم، در حل مشکلات و بحران ها، چرا امروز این قدرت برای حل مشکلات خودمان استفاده نکنیم؟